

## دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی

### جمهوری اسلامی ایران

عبدالرحمن حسینی فر\*

چکیده: تأمین امنیت اجتماعی از وظایف مهم نظامی سیاسی و دولت به حساب می‌آید. حوزه و گستره امنیت اجتماعی، بستگی به تصویری دارد که نظام سیاسی از دولت و ساختار و هدف خود می‌دهد. از آنجا که محور اصلی در این نوشتار، قانون اساسی جمهوری اسلامی است در این زمینه به بررسی جایگاه امنیت اجتماعی با عطف توجه به تعریف آن و تبیین دولت، در قانون اساسی پرداخته شده است. با توجه به اندیشه سیاسی اسلام و لزوم هدایت و به سعادت رساندن مردم، انقلاب و ایدئولوژی انقلاب اسلامی، حوزه‌های امنیت اجتماعی در ابعاد قضایی، اقتصادی، سیاسی و اداری فرهنگی، اجتماعی، و نظامی قابل ترسیم است که بیانگر جامعیت نظری و گستردگی و حداکثری دولت در نظام اسلامی است.

واژه های کلیدی: امنیت، امنیت اجتماعی، دولت، نظام سیاسی، قانون اساسی

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانش آموخته دانشگاه امام صادق علیه السلام

## مقدمه:

«امنیت» به معنای اولیه آن یعنی صیانت نفس یکی از مسائلی است که «دولت» به خاطر آن به وجود آمده است. به این معنا که ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت، استقرار و حفظ امنیت در اجتماع بوده است. البته بحث امنیت در هر زمانی، معنای خاص داشته است؛ گاه تنها معنای «حفظ جان و صیانت نفس» (در اندیشه‌ای هابز) داشته و زمانی دیگر، «حفظ اموال و دارایی» (در اندیشه‌ای لاک) به معنای آن اضافه شده است. (لئو اشتراوس، ۱۳۷۳، ص ۶۲) امروزه معنای امنیت علاوه بر مسائل جانی و مالی به حوزه‌های متفاوت آزادی، مشارکت سیاسی، تأمین اشتغال و رفاه و حتی بهره‌گیری از اوقات فراغت و برآوردن استعدادها هم کشیده شده است. البته میزان و محدوده این موضوعات و حوزه‌ها متناسب با بینش و اندیشه نظام‌های سیاسی و نوع آنها می‌باشد؛ دینی یا سکولار و لائیک بودن، لیبرالیستی یا مارکسیستی بودن، توتالیتیر و انحصارگرا یا دموکرات بودن، به جامعه مدنی و حوزه خصوصی افراد اهمیت دادن و عواملی دیگر بر مؤلفه‌ها چارچوب امنیت تأثیر می‌گذارد. از آنجا که دولت در جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب در بهمن، ۵۷ «اسلامی» شد در این زمینه اندیشه‌های سیاسی اسلام خصوصاً تشیع و بحث انقلاب و ایدئولوژی انقلاب اسلامی، تأثیر زیادی بر چگونگی تدوین و محتوای قانون اساسی و نوع نظام سیاسی آن گذاشته است. با توجه به این موضوع سؤال اصلی در نوشتار این است «جایگاه امنیت جامعه در قانون اساسی جمهوری اسلامی چیست؟»

از آنجا که بحث تأمین امنیت جامعه وظیفه دولت است لازم می‌آید تا به دولت از منظر اندیشه‌ای نیز نگریسته شود که این موضوع در ابتدا و به اختصار آورده شده است. فرضیه اصلی نوشتار هم این است: «با توجه به اندیشه سیاسی تشیع و لزوم هدایت و زمینه‌سازی برای به سعادت رسیدن مردم، شاهد ظهور و رشد رویکردی هستیم که بر

اساس آن دولت به عنوان متولی وظایف بالا، رشد نموده و توسعه می‌یابد. این ایده در مقابل رویکرد تحلیلی قرار دارد که با توجه به اینکه بحث امنیت در حوزه‌های حقوقی (جانی و مالی) در گذشته مطرح بوده اما سرایت و گسترانیدن آن در قالب امنیت اجتماعی به حوزه‌های قضایی (پایمال نشدن حقوق افراد در دادگاههای نظام سیاسی)، سیاسی (بحث مشارکت سیاسی در قالب احزاب، مطبوعات، گروهها و سندیکاها و آزادیها)، اداری (برخورد مناسب اداره‌جات با مراجعین)، اقتصادی (تأمین شغل، مسکن، رفاه، جلوگیری از تورم زیاد، رفع فقر)، فرهنگی (ازدواج، هنر و برآوردن استعدادها) در دوران جدید اتفاق افتاده است؛ قائل به تعریف این مفهوم در حیطه حوزه غیر دولتی می‌باشد. مطابق این رویکرد طرح مسائلی چون اهمیت این مسائل ریشه در افزایش فردیت افراد و حقوق آنها - با توجه به مسائلی چون موضوعیت یافتن تک تک افراد، آزادی، رفاه، فعلیت یافتن استعدادها و... - مویذ این مدعاست.

در این نوشتار ابتدا به مفهوم شناسی پرداخته شده، بعد چارچوب نظری تحقیق و در مرحله بعد موضوع امنیت اجتماعی آمده است. سپس محورها و زمینه‌های امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر شمرده شده و در نهایت نتیجه‌گیری مولف آمده است. نکته آخر آنکه این نوشتار «تبیینی» است؛ یعنی صرفاً به تبیین جایگاه امنیت جامعه و دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی پرداخته شده است.

## الف. مفهوم‌شناسی

## امنیت

«امنیت» از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست. «امنیت» پیش از آنکه مقوله‌ای قابل تعریف باشد پدیده‌ای ادراکی و احساسی است یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولتمردان و تصمیم‌گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه امنیت لازم وجود دارد [یا نه] (کاظمی، ۱۳۵۲، ص ۱۱۷).

در تعریف «لغوی» امنیت عبارت از «محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید است.» (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۵۲) در «فرهنگ لغات» امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است؛ به عنوان مثال در فرهنگ «معین» امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است. (فرهنگ معین، ۱۳۶۳، ص ۳۵۲)، در فرهنگ عمید ایمنی، آرامش و آسودگی (فرهنگ عمید، ۱۳۷۹، ص ۲۳۳) و در فرهنگ «المنجد» اطمینان و آرامش خاطر (فرهنگ المنجد، ۱۹۷۳، ص ۱۸) معنا شده است.

در مجموع می‌توان مفهوم «امنیت» را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها، و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد؛ تعریف نمود. (Wyne Jones, 1999: 102-4)

## امنیت اجتماعی

درون «مقوله» امنیت بحثی قابل طرح است که به بعد داخلی امنیت برمی‌گردد. یعنی مسائلی که در حوزه‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و قضایی، افراد جامعه با آن مواجهه هستند. آنها در چارچوب بحث «امنیت اجتماعی» قابل بررسی هستند.

گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت جامعه مورد سؤال قرار گیرد. «امنیت فردی»، آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می‌کند. اما «امنیت اجتماعی» عبارت است از «آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضاء خود ایجاد می‌کند. (سروستانی، بی تا، ص ۱۱۶) به طور کلی «امنیت اجتماعی» به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند و به نظام سیاسی و دولت مربوط می‌شود. این قلمروها می‌توانند زبان، نژاد، قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی، کار، درآمد، رفاه، مشارکت سیاسی، آزادی، اعتقاد و ... باشند.

#### دولت

دولت اجتماعی، انسانی است که در محدوده یک سرزمین مشخص، مدعی انحصار خشونت فیزیکی مشروع به عنوان حق مختص به خود است. (وبسر، ۱۳۶۸، ۱۰۶) به عبارتی دولت عالی‌ترین مظهر بهره گیرنده از قدرت و حاکمیت است، که در همه جوامع وجود دارد. منظور از دولت در این نوشتار صرفاً قوه مجریه نیست بلکه نهادهای دیگر حکومت، هیأت وزراء، سه قوه و کل نظام سیاسی و حکومت را هم در برمی‌گیرد. (پهلوان، ۱۳۷۹، ص ۲۷۷).

#### دولت حداکثری یا گسترده

گسترش حضور و نفوذ قدرت دولت در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که به معنای وسیع شدن حوزه‌هایی است که دولت در آنها دخالت و نقش‌آفرینی می‌کند. در دولت حداکثری خیلی از مسایل مردم به دولت ارتباط پیدا می‌کند؛ از کار و اشتغال و غذا و اقتصاد گرفته تا آزادی، ازدواج، تفریح، سرگرمی و مشارکت سیاسی و ... (Migdal, 1988: 10)

## نظام سیاسی

مجموعه‌ای از ترتیبات شکل یافته که در مجموع به تدوین و اجرای تصمیماتی می‌پردازد که در تمام جامعه قابل اجرا است. (ژان بلاندل، ۱۳۷۸، ص ۳۲). به عبارت دیگر نظام سیاسی مجموعه‌ای از نهادها و سازمانهاست که با صورت‌بندی و شکل خاصی به اجرای برنامه‌ها برای رسیدن به اهداف ترسیم شده در قانون اساسی خود می‌پردازد. نظام سیاسی به دلیل داشتن حق مشروع اعمال قدرت، از افراد تحت حاکمیت خود طلب اطاعت در قبال این تصمیمات می‌نماید. (آلموند و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۵)

## قانون اساسی

قانون اساسی، ساختار رسمی دولت، قدرتها و نهادهای مرکزی حکومت را ترسیم می‌کند. همچنین حقوق شهروندان و حوزه محدودیت‌ها و وظایف حکومت در آن مشخص شده است. (قوام، ۱۳۷۳، ص ۳۲)

## ب. چارچوب نظری

این نوشتار براساس روش نهادگرایی تدوین شده است. «نهادگرایی»، برقواعد، رویه و سازمانهای رسمی حکومت تمرکز می‌کند (مارش و استوکر، ۱۳۷۸، صص ۱۰۲-۱۰۱) «نهادگرایی» در واقع علم دولت است. (همان، ص ۱۰۶) «نهادگرایی» به عنوان یک روش تحلیل سیاسی دارای سه رهیافت: ۱. توصیفی - استقرایی ۲. رسمی - حقوقی ۳. تاریخی - تطبیقی است.

«رهیافت رسمی - حقوقی» به عنوان الگوی حاکم بر روش‌شناسی انتخاب شده که در آن قانون اساسی به مثابه متغیر مستقل و ابعاد متفاوت امنیت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. در این رهیافت قانون اساسی به عنوان مبنا و به اصطلاح مادر قوانین که معیار عملکرد نهادهای سیاسی است مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل نهادگرایان قرار می‌گیرد. در این رهیافت از خلال قوانین عمومی و سازمانهای رسمی حکومتی (به

صورت حوزه‌ای) به مطالعه شکل، ماهیت، ساختار و عملکرد آنها می‌پردازد. از طریق نهادهای سیاسی به مطالعه دولت و ماهیت فلسفه سیاسی حاکم پرداخته می‌شود. قانون اساسی که با توجه به نظریه نهادگرایی مورد بررسی قرار گرفته بیانگر شالوده محتوایی و ساختار نظام سیاسی ایران است از درون آن می‌توان به عنوان مثال مسائلی چون هدف نظام سیاسی و در نتیجه ابعاد امنیت اجتماعی را استخراج کرد. حقوقی که در قانون اساسی برای تک‌تک افراد ترسیم شده از وظایف دولت به شمار می‌آید که در رهیافت نهادی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

از آنجا که حوزه حقوق، اصول و اهداف مصرح در قانون اساسی ملهم از اندیشه‌های سیاسی اسلام و ایدئولوژی انقلاب اسلامی است در ابتدا به این بحث (اندیشه‌های سیاسی اسلام در ارتباط با دولت و وظایف آن) پرداخته می‌شود بعد، با توجه به قانون، ابعاد امنیت اجتماعی که همان «نهادگرایی» است استخراج می‌شود. به عبارت دیگر از آنجا که محور تأمین امنیت جامعه است بحث دولت از لحاظ اندیشه‌ای از منظر متفکرین اسلامی به صورت اجمالی در ابتدا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در یک تقسیم‌بندی نظام‌ها از لحاظ محتوایی به دینی و غیر دینی (سکولار و لائیک) تقسیم می‌شوند هر کدام از این نظام‌ها تعریف خاصی از نظام سیاسی و مؤلفه‌ها و اهداف آن می‌دهند. عمده جوامع اسلامی به عنوان جوامعی دینی به دنبال ایجاد نظام‌های سیاسی دینی هستند. نظام سیاسی دینی در جوامع اسلامی برگرفته از اندیشه‌ها و تفکرات سیاسی خاصی است. در نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظامی دینی که برگرفته از اندیشه‌های سیاسی شیعه است مقوله «امامت و رهبری» جایگاه مهمی دارد. امامت و رهبری از اصول دین و از ستون‌های پایه‌ای مذهب آن به شمار می‌آید. این مسأله هم در شرع (نقل) آمد. و هم از نظر عقلی توسط اندیشمندان مسلمان به اثبات رسیده است که در ادامه برخی از آنها ذکر خواهد شد.

## ۱. دولت از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

در دیدگاه اندیشمندان و متفکرین اسلامی برای جلوگیری از هرج و مرج و ناامنی، رفع مخاصمات و بقای نسل بشر و برآوردن نیازها و احتیاجات آن، مقابله با دشمن و حفظ مرزها دولت ضروری است. همه اندیشمندان اسلامی، اعم از شیعه و سنی، همانند فارابی، ابن سینا، ماوردی، اخوان الصفا، عامری، غزالی، ابن جماعه، ابن خلدون، ابن تیمیه و... در آثار و کتب خود بر ضرورت دولت اشاراتی داشتند.<sup>۱</sup> در این خصوص کلام حضرت علی (ع) روشنگر است، آنجا که خوارج شعار لا حکمه الا الله سر می‌دادند می‌فرمایند:

«... در جامعه باید حاکم (حکومت) وجود داشته باشد چه صالح و چه فاجر؛ تا مؤمن در حکومت او کار خویش کند و کافر بهره خود را برد و در سایه حکومت او مال دیوانی را فراهم آوردند و با دشمنان پیکار کند و راه‌ها را ایمن سازد و به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند تا نیکوکردار روز به آسودگی به شب رساند و از گزند تبه‌کاران در امان ماند.»<sup>۲</sup>

(نهج البلاغه، خطبه ۴۰)

## ۲. وظایف دولت

در خصوص وظایف دولت بین اندیشه گران معمای اختلاف آراء وجود دارد. با این حال چارچوب اصلی در این بحث را می‌توان مستند به کلام حضرت علی (ع) استخراج نمود، آنجا که از محورهای زیر بعنوان وظایف اصلی حکومت‌ها یاد می‌کنند:

۱-۲- نصیحت مردم، آگاهی بخشی به معنای راه درست و غلط را نشان دادن (یکی از تفاوت‌های نظام‌های اسلامی با غیراسلامی این است که دولت مردم را نصیحت می‌کند ارائه طریق می‌کند و آنها را راهنمایی می‌کند)

۲-۲- توفیر فیء، ایجاد رفاه و آسایش، تقسیم ثروت جامعه، بودجه و بیت‌المال (وظیفه اقتصادی دولت: در جامعه اسلامی فقر، ضد ارزش است و دولت باید تلاش کند که شکم فقرا را سیر کند.)



۳-۲- آموزش و تعلیم، برای جلوگیری از جهالت تمام زمینه‌های علمی، فنی و تکنولوژیکی و تربیت مردم نسبت به رعایت شؤون همدیگر و اخلاقیات در جامعه (وظیفه فرهنگی دولت)

۴-۲- تاسیس سیستم قضایی و مجازات متخلفین و گناهکاران از طریق قانون.<sup>۳</sup>  
(نهج البلاغه، خطبه ۳۴۰)

نامه حضرت علیه السلام به مالک اشتر (نهج البلاغه، نامه ۵۳) هم سرشار از سفارشات سیاسی و تذکر و یادآوری وظایف حکومت و حاکم در قبال مردم است. به طور کلی در نظرات و اندیشه‌های متفکرین اسلامی وظایف ذیل استخراج می‌شود:<sup>۴</sup>

یک. اجرای احکام شرع و حفظ دین

دو. اجرای عدالت و انصاف قانون در جامعه

سه. بالا بردن توان نظامی، اقتصادی جامعه

چهار. تأمین امنیت و حفظ مرزها

پنج. رفع مناصمات و نزاعها و حفظ نسل بشر

شش. برآوردن نیازهای جسمانی و روحانی انسان

هفت. مدیریت و تدبیر بالای امور مردم و مملکت

هشت. تأمین احتیاجات و مصالح مردم و حفظ حقوق آنها

نه. راهنمایی و هدایت مردم با آموزش‌ها و تدارک بسترهای لازم برای به کمال رساندن مردم

ده. تعلیم علمی و آموزشی مردم

یازده. توزیع ثروت و بودجه در جامعه

مشاهده می‌شود در اندیشه‌های سیاسی اندیشمندان مسلمان در ارتباط با دولتهای اسلامی هدف اصلی از اداره جامعه "هدایت مردم به سمت سعادت و کمال" است لذا

حساسیت بیشتری نسبت به دغدغه‌های و نگرانی‌هایی که باعث می‌شوند فرد در مسیر سعادت و کمال نیفتد نشان می‌دهد.

با ارائه تعریف و توضیحاتی که در ارتباط با نظام سیاسی اسلامی از جانب اندیشمندان و متفکرین دینی داده شد. هدف نظام سیاسی و دولت، «لزوم هدایت مردم به سمت سعادت و کمال و در نظر گرفتن ابعاد جسمانی و روحانی انسان و این دنیایی و آن دنیایی برای رشد» است. این هدف در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی هم آمده است: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است» (مقدمه قانون اساسی، ۱۳۸۱، ص ۷) که حکومت در آن «به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید» (همان، ص ۱۳) و «هدف از حکومت رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا والی الله المصیر زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلیق و باخلاق الله) (همان، ص ۱۵) پس به طور کلی هدف اصلی حکومت در قانون اساسی رشد معنوی انسان به سوی آمال ترسیم شده از طرف اسلام است.

البته نفس وقوع انقلاب هم برافزایش مسئولیت‌ها و ابعاد آن و حداکثری شدن نظام سیاسی تأثیر می‌گذارد. در این زمینه هانتینگتون می‌گوید: «انقلابها، حکومتهای نیرومند را جانشین حکومتهای ضعیف می‌سازند. این حکومتهای نیرومند بر اثر تمرکز قدرت و از این مهم‌تر، به خاطر گسترش قدرت در نظام سیاسی پدید می‌آیند [...] کارکرد تاریخی و راستین انقلابها، احیاء و تقویت قدرت است.» (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۴۵۳).

دولت‌های انقلابی غالباً به مداخله وسیع در عرصه اقتصاد می‌پردازند و سیاست‌های ملی کردن و دولتی نمودن بنگاهها و مؤسسات اقتصادی را به سرعت اجرا می‌کنند. انقلاب،

فرهنگ سیاسی جدیدی به وجود می‌آورد و ارزش‌ها و هنجارهای تازه‌ای را ترویج می‌نماید که این فرهنگ سیاسی جدید برگرفته از ایدئولوژی و آرمانهای انقلاب است (معظم‌پور، ج ۲، ۱۳۸۲، ص ۳۲۱)

ایدئولوژی انقلاب اسلامی تأثیر زیادی برگستره نظام سیاسی و دولت دارد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی با تأکید بر عدالت اجتماعی و ضرورت کاهش شکاف طبقاتی و رسیدگی به زندگی مستضعفان، هم در قانون اساسی تبلور یافت و هم در عمل، زمینه لازم را برای افزایش تصدی فعالیت‌های اقتصادی توسط دولت فراهم آورد. این ایدئولوژی «با تأکید بر عدل و قسط اسلامی و اجرای سیاست‌های مساوات‌گرایانه از قبیل دولتی‌سازی صنایع مادر و دولتی‌سازی سیستم بانکی کشور مصادره‌ها و توقیف اموال طبقات ثروتمند و وضع مالیتهای تصاعدی و مالیات بر درآمد و ثروت و پرداخت سوبسیدهای مصرفی» (کرباسیان، ۱۳۷۴، ص ۴۴) اقدامات وسیعی برای توزیع عادلانه‌تر درآمد از سوی دولت انجام گرفت.

با توجه به مسائل فوق‌الذکر از لحاظ اندیشه‌ای و نظری محورها و حوزه‌هایی که رابط میان مردم و حکومت و نظام سیاسی در قانون اساسی از لحاظ نظری تبلور می‌یابد، گسترده و متنوع می‌شود. این محورها و حوزه‌های گسترده و متنوعی که مردم با نظام سیاسی ارتباط برقرار می‌کنند حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و قضایی را شامل می‌شود. از این جهت، حقوقی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی برای انسان ترسیم شده از لحاظ نظری جامعیت دارد و تمام حقوق و نیازهای انسان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این حقوق که در ارتباط با اجتماع و نظام سیاسی و جمع است، حوزه «امنیت جامعه» است. این حقوق باعث امنیت بخشی به جامعه، حداقل از لحاظ نظری می‌شود. پس به طور کلی در نظام جمهوری اسلامی با توجه به قانون اساسی از یک طرف هم سطح توقعات و انتظارات مردم بالا می‌رود و در هم سطح و حوزه امنیت و آرامش آنها

گسترده می‌شود. در این زمینه چون دولت و نظام سیاسی خود را متصدی امور متفاوت مردم معرفی کرده، برای مردم و آسایش ذمی و روانی به وجود می‌آورد.

### ج. ابعاد امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس نظریه «نهادگرایی»، در حوزه‌های متفاوت حقوقی و قضایی اقتصادی فرهنگی سیاسی و اداری و نظامی اصول و حقوقی که به اجتماع و دولت جمهوری اسلامی مربوط می‌شود و جزء اهداف جامعه نظام سیاسی قار گرفته و برای مردم و افراد جامعه و اجتماع امنیت بخش است و از آنجا که به جامعه و نظام سیاسی ارتباط پیدا می‌کند و در جمع و اجتماع مطرح هستند و تأثیر دیگران بر آنها بیش از تأثیر خود فرد است در بر آوردن یا عدم برآوردن آنها در زیر مجموعه امنیت اجتماعی آورده شده‌اند که عبارتند از:

#### ۱. حوزه حقوقی و قضایی

در حوزه حقوقی و قضایی اصول و اهداف حقوقی آمده که برای فرد امنیت بخش است اینکه:

- مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهد بود.<sup>۹</sup> (اصل نوزدهم)
- حقوق زن و مرد برابر و مساوی است (اصل بیستم)
- برای حفظ کیان و بقای خانواده باید دادگاه ایجاد شود. (اصل بیست و یکم)
- جان، مال، حقوق، حیثیت، مسکن و شغل اشخاص می‌باید مصون از تعرض باشد (اصل بیست و دوم)
- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض مواخذه قرار داد (آزادی عقاید) (اصل بیست و سوم)
- هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید و همه ملت

- حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند. (دادخواهی) (اصل سی و سوم)
- در همه دادگاهها طرفیق حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. (اصل سی و پنجم)
  - مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. (اصل سی و هشتم)
  - اصل بر برائت است و هیچ کسی از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. (اصل سی و نهم)
  - گرفتن اقرار یا کسب اقرار با شکنجه ممنوع است (اصل سی و دهم)
  - هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده است ممنوع است (اصل سی و یازدهم) اینکه قوه قضائیه باید:
- یک. به رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات پردازد، دعاوی را حل و فصل و تخصصات را رفع کند.
- دو. به احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای سیاسی پردازد.
- سه. به نظارت بر حسن اجرای قوانین پردازد.
- چهار. به کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزای اسلام پردازد.
- پنج. به اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین پردازد. (اصل یکصد و پنجاه و هشتم)

## ۲. حوزه اقتصادی

در حوزه اقتصادی اصول، اهداف و حقوقی به شرح زیر ترسیم شده که برای فرد در حوزه اجتماع امنیت بخش است اینکه:

- دولت باید اقتصاد صحیح و عادلانه‌ای بر طبق ضوابط اسلامی جهت رفاه، رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه پی‌ریزی کند. (اصل سوم، بند ۱۲)
- دولت باید تبعیضات ناروا را رفع کند و امکانات عادلانه برای همه ایجاد نماید. (همان، بند ۱۳)
- دولت موظف است برای مردم شغل ایجاد کند و هر کسی هر شغلی خواست می‌تواند برگزیند<sup>۱</sup> (اصل بیست و هشتم و اصل چهل و سوم، بند ۲)
- دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات تأمین اجتماعی برای بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی و بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره تدارک ببیند. (اصل بیست و نهم)
- هر فرد در خانواده ایرانی باید متناسب با نیاز خود مسکن داشته باشد (اصل سی و یکم و اصل چهل و سوم، بند ۱)
- ساعات کار و محتوای آن باید طوری باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. (اصل چهل و سوم، بند ۳)
- اقتصاد بیگانه بر اقتصاد کشور نباید سلطه داشته باشد (همان، بند ۸)
- کشور باید خود کفا باشد<sup>۲</sup> (همان، بند ۹)
- اموال شخصی مردم محترم است. (اصل چهل و هفتم)
- باید در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی در میان استانها و مناطق مختلف کشور تبعیض صورت نگیرد (اصل چهل و ششم)

● دولت موظف است ثروتهایی که از راههای نامشروع به دست آمده‌اند را ضبط کند<sup>۱</sup> (اصل چهل و نهم)

### ۳. حوزه فرهنگی و اجتماعی

در حوزه فرهنگی - اجتماعی اصول، اهداف و حقوقی ترسیم شده که برای فرد در اجتماع امنیت بخش می‌باشد و عبارتند از:

● دولت باید محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان، تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ایجاد کند (اصل سوم، بند یکم)

● دولت باید سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها را با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر بالا ببرد. (همان، بند دوم)

● دولت باید به تقویت روح، بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان بپردازد. (همان، بند چهارم)

● دولت باید خودکفایی در علوم و فنون را تأمین کند (همان، بند سیزدهم)

● همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری و قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. (اصل دهم)

● برای بیوگان و زنان سالخورده و بی‌پرست بیمه درست شود (اصل بیست و یکم، بند چهارم)

● باید زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن ایجاد شود (همان، بند یکم)

● برای نشریات و مطبوعات باید آزادی بیان وجود داشته باشد تا بتوانند آزادانه

مطالب خود را بیان کنند (اصل بیست و چهارم)

● تجسس ممنوع است (اصل بیست و پنجم)

● دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان، برای همه ملت تا پایان

متوسطه فراهم سازد (اصل سی‌ام، اصل چهل و سوم، بند ۱ و اصل سوم بند سوم)

● دولت باید تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح فراهم کند (اصل سوم، بند

(سوم).

#### ۴. حوزه سیاسی و اداری

در حوزه سیاسی اصول، اهداف و حقوقی مطرح شده که برای فرد در اجتماع امنیت بخش می‌باشد و عبارتند از:

- استعمار و نفوذ خارجی باید طرد شود (اصل سوم، بند و پنجم)
- هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی باید محو گردد (همان، بند ششم)
- آزادیهای سیاسی و اجتماعی باید تأمین شود (همان، بند هفتم)
- عامه مردم باید در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند (همان، بند هشتم)

• در نظام جمهوری اسلامی امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود و از راه انتخابات کشور اداره شود (اصل ششم)

- شورا و دخالت مردم اهمیت دارد<sup>۱</sup> (اصل هفتم) و برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت گیرد که اعضاء آن را مردم همان محل انتخاب کنند (اصل یکصدم)
- مردم نسبت به دولت وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دارند (اصل هشتم)
- در نظام جمهوری اسلامی آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی باید حفظ شود (اصل نهم)

- اقلیت‌های دینی می‌توانند مراسمات دینی خود را انجام دهند (اصل سیزدهم)
- احزاب، جمعیت دو انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند<sup>۲</sup> (آزادی احزاب) (اصل بیست و ششم)
- دولت باید نظام اداری صحیح ایجاد کند. (اصل سوم، بند دهم)



## ۵. حوزه نظامی و دفاعی

- دولت باید بنیه دفاع ملی را از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور را تقویت کند (همان، بند یازدهم)
- دولت باید خودکفایی را در امور نظامی تأمین کند (همان، بند سیزدهم)

### نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت بالائی که امنیت اجتماعی دارد، شاهد توجه جدی به این موضوع در قانون اساسی هستیم. وجود چنین بینشی باعث توسعه جایگاه و نقش دولت شده است. البته حوزه‌های امنیت اجتماعی در مقام اجراء با موانع متعدد عملیاتی مواجه بوده است که لازم می‌آید در مباحث سازماندهی و برنامه‌ریزی و تحقیقاتی بدان پرداخته شده و برای مدیریت و تحقیق اهداف مورد نظر در آن اندیشه گردد. ارایه هرگونه طرحی در این زمینه لازم می‌آید تا جامع و دربرگیرنده حداقل پنج حوزه‌ای که در اینجا بدان اشاره شد، باشد، تا بواسطه آن امنیت اجتماعی تحقق یابد.

### یادداشت‌ها

- ۱- برای آشنایی با نظرات اندیشه‌گران مسلمان در خصوص ضرورت وجود و دولت و وظایف آن، رجوع کنید به نظرات فارابی در: ان کی. اس. لمبتون، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه سید عباس صالحی، محمد مهدی فقیهی، تهران: مؤسسه عروج، ۱۳۷۴، صص ۵۰۷-۴۹۳ و نیز ابونصر محمد فارابی، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، سید جعفر سجادی، تهران، کتابخانه ظهوری، ۱۳۶۱.
- نظرات ماوردی رک به لمبتون، پیشین، صص ۱۸۰-۱۵۷ و نیز ابوالحسن ماوردی، «الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة»، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۴

- نظرات اخوان الصفا، رک به علی فریدونی، اندیشه سیاسی اخوان الصفا، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی قم، ۱۳۸۰، صص (۲۸۶-۲۶۶) و نیز رسائل اخوان الصفا، ۴ جلد، بیروت ۱۳۷۶ (۱۹۵۷م).

- نظرات عامری، رک به ابوالحسن عامری، السعاده و الاسعاده فی السیره الانسانیه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.

- نظرات غزالی رک به: لمبتون، پیشین، صص ۲۱۹-۱۸۵، و نیز ابوحامد محمد غزالی، نصیحة الملوک، تهران، انتشارات بابک، ۱۳۶۱.

- نظرات ابن خلدون، رک به: مقدمه ابن خلدون، ترجمه گنابادی، ج اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹، چاپ نهم، صص ۳۶۷-۳۵۹.

- نظرات ابن تیمیه، رک به: لمبتون، پیشین، صص ۲۵۷-۲۴۱ و نیز السیاسه الشرعیه فی اصلاح الراعی و الرعیه، المدینه المنوره، المکتبه، العلمیه، مطبعه دارالجهد، ۱۳۷۹هـ - ۱۹۶۰م

- نظرات ابن سینا، رک به: ابن سینا، الشفاء الالهیات (۱)، تحقیق ابراهیم مدکور، قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴هـ.

۲ - لاید من امیر بر او فاجر يعمل فی امرته المؤمن و يستمتع فیها الکافر [...] - یجمع به الفی و یقاتل به العدو و تأمن به السبلا یؤخذنا للضعیف من القوى حتی یستریح به بر یستراح من فاجر.

۳ - ایها الناس ان لی علیکم حقا و لکم علی حق فاما حقکم علی فالنصیحه لکم و توفیر فینکم الیکم و تعلیمکم کیلا تحجلوا و تأدییکم کیما تعلموا و اما حقی علیکم.

۴ - برای آشنایی با وظایف دولت از دیدگاه اندیشمندان و متفکران اسلامی به کتابهای ذکر شده در شماره ۱ رجوع شود.

۵ - این اصل اندیشه‌ای براساس آیه و روایت شریفه ذیل قابل تعبیر است:

الف- «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (سوره حجرات، آیه ۱۳).

ترجمه: ای مردم، ما همه شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را گروهها و قبائل مختلف قرار دادیم تا (به این وسیله) یکدیگر را باز شناسید. به درستی که بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

ب- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «ایها الناس الا ان ربکم و احد و ان اباکم واحد ألا لأفضل لعربی علی اعجمی ولا اعجمی علی عربی و لا اسود علی احمر ولا احمر علی اسود الا بالتقوی» (تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۴۲).

ترجمه: ای مردم بدانید که پروردگار همه شما خدای یکتاست و پدر شما نیز یکی است. آگاه باشید که هیچ فضیلتی برای عرب نسبت به عجم نیست همچنان که فضیلت و برتری برای عجم نسبت به عرب نیست. و هیچ برتری برای سیاه نسبت به سرخ و برای سرخ نسبت به سیاه نیست و آگاه باشید که معیار اصلی برابری انسانی نسبت به یکدیگر تنها تقوی است.

۶- در اصل بیست و هشتم آمده است:

«دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه «مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشغال به کار و شرایط مساوی را برای احرار مشاغل ایجاد نماید»

۷- در اصل قانون آمده اقتصاد جمهوری باید:

«بر افزایش تولیدات کشاورزی دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند تأکید داشته باشد»

۸- در اصل قانون آمده:

«دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد...»

۹- براساس آیات «و امرهم شوری بینهم» (شوری آیه ۳۸) «و شاورهم فی الامر» (آل عمران، آیه ۱۵۹).

۱۰ - در خود اصل ۲۶ آمده:

«احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی یا انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچ کسی را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یک از آنها مجبور ساخت»

## منابع

۱. قرآن مجید
۲. نهج البلاغه
۳. آلموند، گابریل و دیگران، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶.
۴. ابن‌خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ترجمه گنابادی، ج اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹، چاپ نهم.
۵. اشرفی، اکبر، تأثیر ساختار سیاسی بر توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی، پایان نامه دوره دکتری دانشگاه‌های اسلامی واحد علوم تحقیقات، ۱۳۸۳.
۶. اشتراوس، لئو، فلسفه سیاسی چیست؟ ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۷. بلاندل، ژان، حکومت مقایسه‌ای، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
۸. بوزان، باری، مردم، دولتها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۸.

۹. پهلوان، چنگیز، تعریف دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در کتاب نظریه دولت در ایران اثر لمبتون، نشر گیو، تهران، ۱۳۷۹.
۱۰. فریدونی، علی، اندیشه سیاسی اخوان الصفا، قم: مرکز مطالعات تحقیقات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۱. قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی، تهیه و تنظیم محمدعلی عبداللهی، انتشارات نشاط، ۱۳۸۱.
۱۲. قوام، عبدالعلی، سیاستهای مقایسه‌ای، تهران، سمت، ۱۳۷۳.
۱۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۹.
۱۴. کاظمی، علی‌اصغر، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران: نشر قوس، ۱۳۵۲.
۱۵. کرباسیان، علی‌اکبر، روند توزیع درآمد در ایران، ایران فردا، شماره ۱۷، اردیبهشت، ۱۳۷۴.
۱۶. لمبتون، ان.کی.اس، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه سید عباس صالحی، محمد مهدی فقهی، تهران: مؤسسه عروج، ۱۳۷۴.
۱۷. مارش، دیوید، جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعه راهبردی، ۱۳۷۸.
۱۸. مرکز مطبوعات و انتشارات، امنیت اجتماعی و راهکارهای توسعه، مجموعه مقالات همایش علمی «مازندران» بابل، بهمن ۱۳۸۱.
۱۹. معظم‌پور، اسماعیل، مقاله انقلاب اسلامی و گسترده‌گی دولت در ایران. در کتاب ایدئولوژی رهبری و فرایند انقلاب اسلامی، ج ۲، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه عروج، چاپ اول ۱۳۸۲.
۲۰. المنجد فی اللغة، تهران، انتشارات اسماعیلیان، افست از روی دارالمشرق، بیروت، چاپ ۲۳ ۱۹۷۳ م.

۲۱. معین، محمد فرمنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۳.
۲۲. وبر، ماکس، دانشمند و سیاستمدار، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۲۳. یزدی، محمد، *قانون اساسی برای همه*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
24. Jones, Richard W. (1999), *Security, Strategy, and Critical Theory*, London, Lynne Rienner Publications.
25. Loff, Anthony (2004), *Creuting Insecurity*, UK. , Ashgate.
26. Migdal, Joel S. (1988), *Strong Societies and Weak States*, Princeton, P.U.P.

